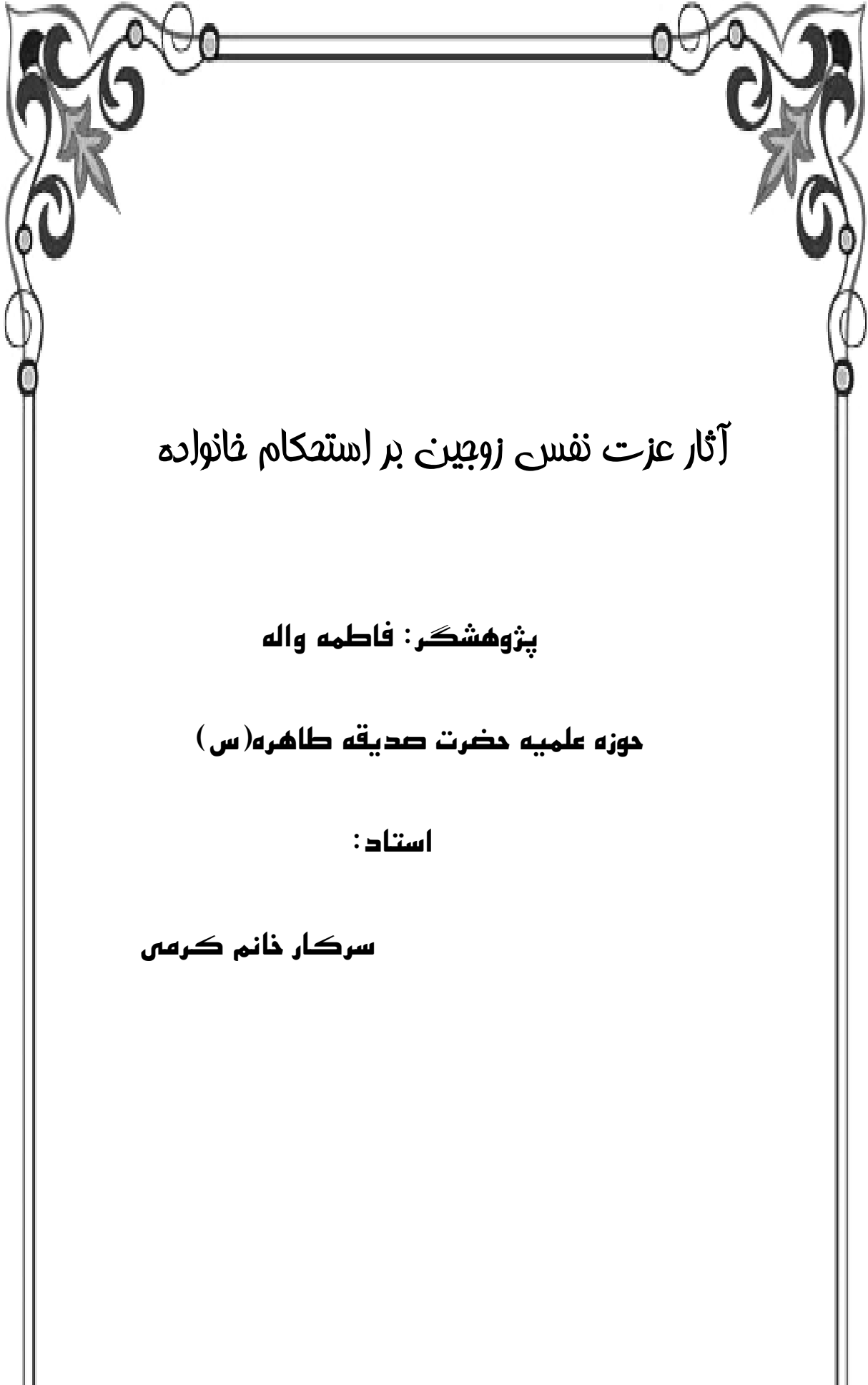




آثار عزت نفس زوجین بر استحکام خانواده

پژوهشگر: فاطمه واله

حوزه علمیه حضرت صدیقه طاهره (س)

استاد:

سرکار خانم کریمی

بسم الله الرحمن الرحيم

چکیده:

عزت نفس چگونه چیزی است و چه وجود آن در زوجین چه نقشی در استحکام خانواده ایفا می کند؟
عزت نفس به معنای به معنای مقاومت، سختی و استحکام نفس، و غنামندی درونی معنا می شود.

وقتی زوجین دارای چنین ویژگی اخلاقی باشند تا اندازه ی زیادی می توان باوجود دیگر عوامل مؤثر بر استحکام خانواده به اندازه ی زناشویی خویش امیدوار باشند.

وجود عزت نفس در زوجین هم به صورت مستقل و ذاتی موجب صفات پسندیده اخلاقی همچون تقوا، عفاف، غیرت، و خویشن داری گردد که ازجمله امور لازم برای بقا و دوام یک خانواده سالم و یک رابطه زناشویی خوب است و هم عزت نفس به صورت یک ویژگی اخلاقی کمک و مستعد ساز برای اموری می شود که مانعی در جهت عوامل مخرب رابطه زناشویی به شمار می آید. به طور نمونه عزت نفس کمک می کند در زوجین حیامداری و شرم به عنوان یک نظرت درونی حفظ گردد و تقویت شود همچنین عزت نفس کمک بزرگی در احساس غنامندی و عدم سقوط افراد در همسویی با امیال و هوس های نفاسانی است که این ها همگی جزئی از عوامل مؤثر بر استحکام خانواده است.

کلیدواژگان:

خانواده، تقوا، زوجین، استحکام، عزت نفس، نظام خانواده، خویشن داری، هم کفو، اعتماد به نفس، خودشناسی.

مقدمه

خانواده در اسلام نقش بنیادی ایفا می کند و سلامت و بهروزی خانواده نسبتی آشکار با عزت و افتخار اسلام دارد. درواقع توفیق خانواده در انجام وظایفش نقشی آشکار در شناخت یک جامعه ی متدین دارد. زیرا افراد و اعضای جامعه در خانواده است زاییده و تربیت می گردند و نقش ها، وظایف و مسئولیت های خود در قبال دین، اخلاق و ارزش های فرهنگیان جامعه آشنا و مسئولیت پذیر می گردند. ازاین روست که در آموزه های دینی اسلام تأکید ویژه ای بر روی مسائل، هنجارها و اصولی می گردد که سبب استحکام هر چه بیشتر خانواده می شود.

هسته ی اصلی و تشکیل دهنده ی خانواده؛ در آغاز و نیز در تداوم و بقای آن؛ زن و مردی هست که به مثابه یک زوج پیوند زناشویی می بندند. از آنجایی که پایه و اساس خانواده با ازدواج زوج آغاز می شوند در آموزه های دینی قرآن و روایات بر اینکه در ازدواج چه اصولی باید رعایت گردد، زوجین چه ویژگی ها و مشخصاتی داشته باشند، چه جهت و مسیری را در قبال همدیگر و دیگر اعضای خانواده دنبال کنند، از چه

هنجارها، ارزش‌ها و باورهایی تبعیت کنند،^۱ بسیار سخن گفته شده است زیرا قرآن کتاب راهنمای زندگی

بشر است و هر پرسشی که به زندگی و به بشر مربوط باشد نمی‌تواند در آن نیافت^۲ زیرا که خداوند در

آیه‌ای می‌گوید: لارطب و لایابس الا فی کتاب مبین (بقره،).

نتیجه آنکه دین مبین اسلام که برای بسیاری از امور طرح و برنامه و دستورات کاملی دارد می‌بایست

ویژگی‌هایی که موجب دوام و بقای یک زندگی مشترک و استحکامان می‌شود را برشمرده باشد. به‌عنوان

نمونه در آیات و روایات همواره بر هم‌کفو بودن زوجین تأکید ویژه‌ای شده است که نشان‌دهنده و تأکید بر

این مسئله است که دین اسلام هیچ فروگذاری در خصوص راهنمایی‌هایی که سبب استحکام و تضمین یک

زندگی مشترک می‌گردد نکرده است. علاوه بر مسئله هم‌کفویت که می‌توان در ادبیات دینی آن را یکی از

شرایط تضمین زندگی مشترک برشمرده‌اند شرایط و اصول اخلاقی ضروری دیگری هم وجود دارند که

فقدان آن در وجود هر یک از زوجین می‌تواند منجر به شکست نسبی یا کامل زندگی زناشویی گردد.^۳ یکی

از این ویژگی‌های اخلاقی که می‌تواند سبب استحکام و بقای زندگی زناشویی گردد مسئله وجود یا فقدان

عزت‌نفس در وجود هر یک از زوجین است که در این نوشتار با تأکید بر آیات و روایت کوشش می‌کنیم

بر نقش این ویژگی اخلاقی نزد زوجین بپردازیم.

^۱ محمدتقی مدرسی، من هدی القرآن، ج ۵، ص ۱۲۶.

^۲ سلطان علیشاه، سیر شریف بیان السعادة فی مقامات العبادة، ۱۳۲۷، ص ۲۹۶.

^۳ مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۶)، پیام قرآن، ج ۳.

می‌شود.^۱ اگرچه انسان‌ها در طی اجتماعی شدن و بالیدن در یک جامعه بسیاری از رفتارها، عملکردها و شیوه‌های رفتار را یاد می‌گیرند اما این به معنای تضمین این نکته نیست که انسان‌ها تماماً هنجارمند رفتار کرده و از اصول هنجارین زندگی تخطی نکنند، اگر چنین می‌بود و انسان‌ها به‌مانند ماشین‌ها و ربات‌ها و یا فرشتگان قدرت تخطی از قواعد و اصول و زندگی اخلاقی را نمی‌داشتند هیچ‌وجه تفاوتی با دیگران نداشتند و همین مسئله وجود خرده‌فرهنگ‌ها، شرارت، رفتارهای نابخردانه گناه و خیانت را توضیح می‌دهد.

جوامع مختلف به‌ویژه در دین اسلام تأکید ویژه‌ای روی روش‌های تربیت اخلاقی و رفتار هنجارمند شده است که در مرکز این نوع تربیت اخلاقی و دینی، نظارت فرار دارد. زیرا افراد ممکن است به علت منافع شخصی، محرک‌های مختلف روان‌شناختی و نیز وجود برخی مسائل دیگر و نیز فقدان کنترل و نظارت به سمت گذر از اصول و هنجارهای اخلاقی عمل کنند.

طبق تعریف جامعه‌شناسان هر فرد در طول زندگی خود در یک جامعه‌ی معین می‌آموزد چه رفتاری مورد انتظار و قابل قبول و چه رفتاری غیرقابل قبول و مردود است اما برای تکمیل تربیت یا اجتماعی شدن، وجود نظارت ضروری است نظارت به شیوه‌ها و روش‌هایی اطلاق می‌گردد که برای انطباق رفتار فرد با انتظارات

^۱ بروس کوئن، مبانی جامعه‌شناسی، ۱۳۸۶، ص ۶۶.

گروه یا جامعه به کار می‌رود^۱ البته نظارت خود به دو نوع تقسیم می‌شود: نظارت بیرونی یا خارجی که نظارت و کنترل اجتماعی هم گفته می‌شود که به‌طور مثال شامل نیروهای پلیس، راهنمایی و رانندگی، ستاد امر به معروف و نهی از منکر، دادگاه‌ها، قوانین و .. هستند اما این واپایش‌ها نمی‌توانند همیشه کافی باشند به‌طور مداوم راه‌هایی و افرادی وجود دارند که به‌رغم نظارت‌های اجتماعی قوی از مسیر مناسب منحرف می‌شوند و یا قوانین را دور می‌زنند و یا با استفاده از افزارهای مختلف قوانین را به سود خود به کار می‌برند و این‌همه نشان‌دهنده بی‌کفایتی و یا کافی نبودن نظارت بیرونی است. درست همین‌جاست که نقش نظارت‌های درونی برجسته و سرنوشت‌ساز می‌شود. نظارت درونی خود شامل چندین نوع است از قبیل عقیده، وجدان اخلاقی و شرم و حیا.

شرم و حیا به‌مثابه یک نوع کنترل و نظارت درونی فرد را از دست زدن به بسیاری از اعمال و کردار بازمی‌دارند. حال پرسش این است که شرم و حیا از کجا نشأت می‌گیرد و به عبارتی چه چیزهایی مقوم و تشکیل‌دهنده شرم و حیا هستند؟ آنچه آشکار است شرم و حیا نسبتی آشکار با عزت نفس دارد. فردی که عزت نفس دارد قطعاً حیا هم دارد. فرد با عزت شرم می‌کند از اینکه عملی منافعی عفت نجات دهد زیرا از خدا، مردم و یا شخصیت خود می‌شمارد، زیرا برای شخصیت خود ارزش والایی قائل است. به‌طور نمونه یک زوج عزتمند به‌رغم فقر مادی برای آنکه از غنای درونی برخوردارند و دارای شخصیتی والا هستند

^۱ کوین، ۱۳۸۶، ص ۲۵۳.

دشوار است که تصور کنیم به‌رغم فقر مادی دست به تکدی‌گری بزنند زیرا شخصت والای آن‌ها چنان است که آنان را از دست زدن به تکدی‌بازمی‌دارد و یا زوجین به‌رغم نیازهای جنسی که در وجودشان است اما به خاطر عزت‌نفس و شخصت والای اخلاقی که دارند بعید است به خاطر ارضای خاطر هوس تن به خیانت و بی‌عفتی بزنند زیرا نه تنها از مردم و نه تنها از خداوند بلکه از شخصیت خویش حیا می‌کنند. چنین است که عزت‌نفس به‌مثابه یک موجودیت ذهنی و روحی در وجود زوجین به‌مثابه کمک به دیگر ارزش‌ها و شاخصه‌های اخلاقی می‌انجامد.

نتیجه‌گیری:

عزت‌نفس به معنای غنای درونی فرد است. و به‌عنوان یک ویژگی اخلاقی نقش مؤثری در بقا و رشد و استحکام خانواده به شمار می‌رود. اما چرا عزت‌نفس در زوجین دارای چنین چه نقشی است؟ عزت‌نفس یک نوع ویژگی اخلاقی بسیار قدرتمند است که هم به‌صورت مستقل و ذاتی موجب استحکام خانواده می‌شود زیرا وجود عزت‌نفس خود مسبب پایداری زوجین در هر شرایطی برای موجودیت و رشد خانواده می‌گردد و هم این موجودیت از منظر بیرونی و به عبارتی کمک به دیگر ویژگی‌های اخلاقی همچون غنماندی، حیا‌مداری و شرم و ... می‌انجامد که این ویژگی‌های اخلاقی می‌توانند سبب استحکام خانواده و

دوام روابط زوجین گردند. نتیجه آنکه پرورش روحیه عزتمندی در افراد، چه زن و چه مرد می‌تواند

به تدریج به قدرت گرفتن و سلامت نظام خانواده در یک نظام اسلامی منجر گردد.

منابع تحقیق:

قرآن کریم

نهج البلاغه، سید رضی.

سلطان علیشاه، سلطان محمد ابن حیدر (۱۳۲۷ هـ ق)، ترجمه سیر شریف بیان السعاده فی مقامات العبادۀ،

ترجمه حشمت الله ریاضی.

طبرسی، فضل ابن حسن، ترجمه تفسیر مجمع البیان، ترجمه ضیاءالدین نجفی و دیگران، ایران، انتشارات
فراهانی.

نجفی ابرندآبادی (۱۳۸۴)، جرم‌شناسی (جزوه درس بزهکاری و روسپیگری)، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)

مدرسی، سید محمدتقی (۱۴۱۹ ه ق)، من هدی القرآن (تفسیر هدایت)، تهران، انتشارات دارالمحبی الحسین.

کوین، بروس (۱۳۸۶)، مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه غلام عباس توسلی، تهران، انتشارات سمت.

خلیل ابن احمد، معجم الادبا، ج ۴، ص. ۱۸۲

محمد نوروزی (۱۳۷۹)، قصه‌های قرآنی، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه.

راغب اصفهانی، حسین ابن محمد (۱۴۱۲ ه ق)، مفردات الفاظ القرآن، بیروت، دارالشامیه.